

خلاصه از قسمت های مختلف

1.Fixed sentences and Vocabulary structures

May I...?

می توانم...؟

e.g. May I borrow your pen for a moment?

می توانم (میشه؟) قلمت رو برای یک لحظه قرض بگیرم؟

e.g. May I ask you a question?

می توانم (میشه؟) از شما سوالی بپرسم؟

نکته: همان طور که در مثال ها میتوانید ببینید در این عبارت فعل به صورت ساده می آید مثل: ask و borrow

I appreciate it

ازت قدردانی می کنم - سپاس گزارم (ابراز تشکر و قدردانی از کسی برای کمک یا کاری که انجام داده است)

e.g. Thank you for your help, I really appreciate it.

ممنون از کمکت، واقعاً سپاس گزارم.

e.g. I appreciate it, it means a lot to me.

ازت ممنونم، برام خیلی مهم و ارزشمند

Speak of the devil

چه حلال زاده

e.g. We were just talking about you! Speak of the devil, here you are!

ما همین الان داشتیم در موردت صحبت می کردیم! چه حلال زاده، الان اینجا.

e.g. I don't know when Mark will arrive... Ah, speak of the devil, there he is!

نمی دونم مارک کی می رسه... آها، چه حلال زاده، اونجاست

To be supposed to...

کاری را می بایست انجام دادن (کاری که قرار است انجام شود)

e.g. You're supposed to finish your homework before you go out with your friends.

تو باید تکالیف ات را قبل از اینکه با دوستانت بیرون بروی انجام بدی.

e.g. I was supposed to call her yesterday, but I completely forgot.

قرار بود دیروز به او زنگ بزنم، اما کاملاً فراموش کردم.

Don't freak out

نگران نباش - وحشت نکن

e.g. I lost my phone! Wait, don't freak out. We can find it.

گوشی‌ام رو گم کردم! صبر کن، نگران نباش. می‌توانیم پیدااش کنیم.

e.g. Don't freak out, it's just a small mistake. We can fix it.

نگران نباش، فقط یک اشتباه کوچیکه. می‌توانیم اصلاحش کنیم.

2.Proverbs

Actions Speak Louder Than Words

به عمل کار برآید به سخندانی نیست

An apple a day keeps the doctor away

پیشگیری بهتر از درمان است

You can't judge a book by its cover

کتاب رو از روی جلدش قضاوت نکن (چیزی یا کسی را نباید از روی ظاهرش قضاوت کرد)

Better safe than sorry

کار از محکم کاری عیب نمی‌کند

Too many cooks spoil the broth

آشپز که دوتا شد آش یا شور می‌شود یا بی‌نمک

3.verbs

Accept

قبول کردن

e.g. I accept your apology.

من عذر خواهی تو را قبول می‌کنم.

e.g. She accepted the invitation to the party.

او دعوت نامه را برای مهمانی قبول کرد.

Bring

آوردن

e.g. Please bring your book to class tomorrow.

لطفاً کتابت را فردا به کلاس بیاور.

e.g. She brought a cake to the party.

او کیکی را به مهمانی آورد.

Decide

تصمیم گرفتن

e.g. We need to decide where to go for dinner.

باید تصمیم بگیریم که برای شام کجا برویم.

e.g. She decided to quit her job and emigrate.

او تصمیم گرفت شغلش را ترک کرده (از کارش دست بکشد) و مهاجرت کند.

Enjoy

لذت بردن از

e.g. I enjoy reading books.

من از خواندن کتاب‌ها لذت می‌برم.

e.g. She enjoys traveling to new places.

او از سفر به مکان‌های جدید لذت می‌برد.

Hide

پنهان کردن

e.g. He hid the gift in his room.

او هدیه را در اتاقش پنهان کرد.

e.g. Don't hide your feelings from me.

احساسات را از من پنهان نکن.

4. Phrasal verb

Get

Get up

برخاستن - بلند شدن - بیدار شدن

e.g. I usually **get up** at 7 AM.

من معمولاً ساعت ۷ صبح بلند می‌شوم.

e.g. He **got up** early to catch the train.

او برای گرفتن قطار (رسیدن به قطار) زود از خواب بیدار شد.

Take

Take off

بلند شدن (هواپیما) - در آوردن (لباس)

e.g. The plane will **take off** in 30 minutes.

هواپیما ۳۰ دقیقه دیگر بلند می‌شود.

e.g. She **took off** her shoes before entering the house.

او قبل از وارد شدن به خانه کفش هایش را در آورد.

Make

Make up

اختراع کردن - ساختن (داستان یا بهانه) - آشتی کردن

e.g. She **made up** an excuse for being late to work.

او بهانه ای برای دیر رسیدن به سر کار آورد (داستانی سر هم کرد).

e.g. After their argument, they **made up** and became friends again.

بعد از مشاجره شان، آنها آشتی کردند و دوباره دوست شدند.

Put

Put up with

تحمل کردن - سر کردن با...

e.g. I can't **put up with** the noise anymore!

دیگر نمی‌توانم این سر و صدا را تحمل کنم!

e.g. She has to **put up with** his bad attitude every day.

او باید هر روز طرز فکر (نوع رفتار) بد او را تحمل کند.

Come

Come up

پیش آمدن - مطرح شدن

e.g. A problem **came up** during the match.

یک مشکل در طول مسابقه پیش آمد.

e.g. His name **came up** in the conversation.

نام او در مکالمه مطرح شد.

5.Abbreviations

ASAP	As Soon As Possible	هرچه سریع تر
WTH	What The Hell	این چه وضعی است؟
BRB	Be Right Back	به زودی برمی گردم
SOS	Save Our Souls	جان ما را نجات دهید
LMK	Let Me Know	به من اطلاع بده

6.Idioms

1	Time flies	Time seems to pass very quickly.	زمان زود میگذرد - زمان همانند برق و باد میگذرد
e.g. Wow, it's already December! Time flies!		وای الان دسامبره! زمان چقدر زود میگذره	

6	(to be) out of time	No more time available - time has run out	وقت نداشتن - بی موقع بودن
e.g. We're out of time for the class, so we'll have to continue tomorrow		وقت تمام شده است، بنابراین باید فردا کلاس را ادامه بدهیم	

2	(to) see red	To become very angry or upset	خون جلوی چشم‌ها را گرفتن
e.g. When I found out what happened, I was seeing red		وقتی فهمیدم چه اتفاقی افتاده خون جلوی چشمم را گرفت	

7	Out of the blue	Something happening unexpectedly or without warning	ناگهان
e.g. He called me out of the blue after years of not speaking		او بعد از سال‌ها بی‌خبری ناگهان به من زنگ زد	

7	One too many	Something excessive, usually referring to a situation or action that has been overdone	بیش از حد مجاز
e.g. She had one too many chances to improve her work performance, and now she's been fired		او بیش از حد برای بهبود عملکردش فرصت داشت و حالا اخراج شده است	

7. Collocations

Make a decision

English meaning: To choose or determine something after consideration.

تصمیم گرفتن

e.g. I need to make a decision about my career soon.

من باید به زودی درباره شغلم تصمیم بگیرم.

e.g. She made a decision to study abroad.

او تصمیم گرفت که در خارج از کشور درس بخواند.

Do a favor

English meaning: To do something helpful or kind for someone.

لطفی انجام دادن

e.g. Can you do me a favor and pick up my package?

میتونی یه لطفی کنی و بسته ام رو برداری؟

e.g. She did me a favor by helping with the homework.

او با کمک به من در تکالیفم یک لطفی به من کرد.

Take a break

English meaning: To pause or stop working temporarily to rest

استراحت کردن

e.g. Let's take a break and grab some coffee.

بیایید استراحت کنیم و کمی قهوه بخوریم.

e.g. She took a break from her studies to relax.

او وقفه ای بین درس خواندنش انداخت تا استراحت کند.

Give a gift

English meaning: To present someone with a gift

هدیه دادن

e.g. I'm going to give her a gift for her birthday.

من قصد دارم برای تولدش یک هدیه به او بدهم.

e.g. They gave him a gift to show their appreciation.

آنها برای نشان دادن قدردانی شان یک هدیه به او دادند.

Have breakfast

English meaning: To eat the first meal of the day

صبحانه خوردن

e.g. I usually have breakfast at 7 a.m.

من معمولاً ساعت ۷ صبحانه می‌خورم.

e.g. We can have breakfast together tomorrow morning.

ما میتوانیم فردا صبح باهم صبحانه بخوریم.

8. Conversations

Library

Librarian: Hello! How can I help you today?

کتابدار: سلام! امروز چطور می‌توانم کمکتان کنم؟

Visitor: Hi, I'm looking for a book on **modern psychology**. Could you guide me?

مراجعه‌کننده: سلام، دنبال کتابی درباره روانشناسی مدرن می‌گردم. می‌توانید راهنمایی کنید؟

Librarian: Sure! You'll find books on psychology in the **Social Sciences** section. It's on the **second floor**, aisle B3.

کتابدار: حتماً! کتاب‌های روانشناسی را می‌توانید در بخش علوم اجتماعی پیدا کنید. این بخش در طبقه دوم، راهرو B3 است.

Visitor: Thank you! Also, can you tell me if this library has a **membership program**?

مراجعه‌کننده: متشکرم! همچنین، می‌توانید بگویید که آیا این کتابخانه برنامه عضویت دارد؟

Librarian: Yes, we do! You can **fill out a form** at the **front desk**, and it costs **\$10 per month**.

کتابدار: بله، داریم! می‌توانید فرم را در پیشخوان پر کنید. هزینه آن 10 دلار در ماه است.

Visitor: Great, I'll check the psychology section first and then **inquire** about the membership.

مراجعه‌کننده: عالی! اول بخش روانشناسی را بررسی می‌کنم و سپس درباره عضویت می‌پرسم.

Librarian: Sounds good! **Let me know** if you need any more **assistance**.

کتابدار: خیلی هم خوب! اگر به کمک بیشتری نیاز داشتید، به من اطلاع دهید.

Visitor: Thank you so much!

مراجعه‌کننده: خیلی ممنون!

Key words & expressions	
How can I help you today?	چطور می توانم کمکتان کنم؟
Modern psychology	روانشناسی مدرن
Social Sciences section	بخش علوم اجتماعی
Second floor	طبقه دوم
Membership program	برنامه عضویت
Front desk	پیشخوان
It costs \$10 per month	هزینه آن 10 دلار در ماه است
Assistance	کمک
To fill out a form	پر کردن فرم
Let me know	به من اطلاع دهید
Inquire	پرسش کردن

Book genres	
Mystery	معمايي
Romance	عاشقانه
Science Fiction (Sci-Fi)	علمی تخیلی
Fantasy	فانتزی
Historical Fiction	داستان تاریخی
Thriller	دلهره آور
Horror	ترسناک
Adventure	ماجراجویی
Drama	درام
Young Adult (YA)	نوجوان
Biography	زندگی نامه
Autobiography	خودزندگی نامه
Memoir	خاطرات
Self-Help	خودیاری
Cookbooks	کتاب های آشپزی
History	تاریخ
Travel	سفرنامه
Science	علمی
Religion	مذهبی
Poetry	شعر
Graphic Novels	رمان های گرافیکی
Children's Books	کتاب های کودکان

Classics	کلاسیک ها
Short Stories	داستان های کوتاه
Anthology	گلچین
Satire	طنز
Mythology	اسطوره شناسی
True Crime	جنايات واقعی
Humor	طنز